

اقتصاد دانش بنیان مشارکتی: بررسی ضرورت حکمرانی مشارکتی در کسب و کار دانش بنیان



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ انتشار:
۱۴۰۳/۳/۲۲

شماره مسلسل: ۱۹۸۳۱
کد موضوعی: ۳۵۰



مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی

عنوان گزارش:

اقتصاد دانش بنیان مشارکتی:
بررسی ضرورت حکمرانی مشارکتی در کسب و کار دانش بنیان

نوع گزارش: طرح ولایحه □، نظارتی □، راهبردی ■

نام دفتر:

مطالعات بنیادین حکمرانی (گروه الگوها و ابزارهای حکمرانی)

تهیه و تدوین کنندگان:

اسماعیل عبدی، سیدمحسن میرباقری

همکار:

محمد عبدالحسین زاده

اظهار نظر کنندگان:

سهیلا خردمندنیا (مطالعات انرژی، صنعت و معدن)،
سپیده شفیعا (مطالعات مدیریت)، حسن کریمی فرد (مطالعات سیاسی)،
محسن بابائی (دفتر مطالعات زیربنایی)

ناظر علمی:

مهدی عبد الحمید

گرافیک و صفحه آرایی:

انسیه بهابزرگی

ویراستار ادبی:

سیده مرضیه موسوی راد

واژه‌های کلیدی:

۱. تولید دانش بنیان
۲. حکمرانی مشارکتی
۳. قانون جهش تولید دانش بنیان
۴. اقتصاد دانش بنیان

تاریخ شروع مطالعه:

۱۴۰۱/۱۱/۰۱



فهرست مطالب

۶	چکیده
۷	خلاصه مدیریتی
۹	۱. مقدمه
۱۰	۲. پیشینه پژوهشی و تقنینی
۱۴	۳. مسئله‌شناسی
۱۵	۴. مقدمه‌ای بر حکمرانی مشارکتی
۱۶	۵. گونه‌شناسی حکمرانی مشارکتی و تولید دانش بنیان
۱۸	۶. جایگاه حکمرانی مشارکتی در قوانین مرتبط با شرکت‌های دانش بنیان
۲۳	۷. جمع‌بندی و پیشنهادها
۲۶	منابع و مآخذ

فهرست اشکال

۱۴	شکل ۱. مهم‌ترین مسائل کشور در چند دهه اخیر از منظر رهبر انقلاب
۱۶	شکل ۲. مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر تولید دانش بنیان و برخی دستاوردهای آن
۱۷	شکل ۳. نقش مردم در تولید دانش بنیان
۱۸	شکل ۴. مروری بر قوانین و آیین‌نامه‌های مرتبط با تولید دانش بنیان
۱۹	شکل ۵. هفت ویژگی مهم شرکت‌های دانش بنیان
۲۳	شکل ۶. مهم‌ترین مراکز علمی تأثیرگذار در تولید دانش
۲۴	شکل ۷. رویکرد حکمرانی مشارکتی در اقتصاد دانش بنیان

فهرست جداول

۱۰	جدول ۱. گزارش‌ها و پژوهش‌های مرتبط با حکمرانی مشارکتی در شرکت‌های دانش بنیان
۲۰	جدول ۲. جایگاه رویکرد حکمرانی مشارکتی در شرکت‌های دانش بنیان



اقتصاد دانش بنیان مشارکتی: بررسی ضرورت حکمرانی مشارکتی در کسب و کار دانش بنیان

چکیده

امروزه علم، فناوری و نوآوری جایگاه مهمی در رشد اقتصادی کشورهای جهان ایفا می‌کنند. در همین راستا نیز شرکت‌های دانش بنیان نقش بی‌بدیلی در توسعه اقتصادی و پیشرفت کشورها دارند. مشارکت این شرکت‌ها در رونق اقتصادی می‌تواند منجر به ایجاد مفهوم جدیدی تحت عنوان «اقتصاد دانش بنیان مشارکتی» شود. این مفهوم از یک سو بر مشارکت نهادهای حوزه علم، فناوری و نوآوری در امر اقتصاد تأکید دارد و از سوی دیگر بر نقش سایر عوامل از جمله مردم در هر دو حوزه اقتصاد و علم، فناوری و نوآوری اشاره می‌کند. در این راستا در نظام جمهوری اسلامی ایران نیز به منظور حمایت از شرکت‌های دانش بنیان تاکنون قوانین و آیین‌نامه‌های متعددی تدوین کرده که کمک بسیاری در پیشبرد اهداف و گسترش این شرکت‌ها داشته است، اما با توجه به اینکه عوامل بسیاری در موفقیت یا شکست شرکت‌های دانش بنیان دخالت دارند، بررسی‌ها نشان می‌دهد صرفاً تدوین قانون و تعیین حمایت‌های مالی و تسهیلاتی نمی‌تواند باعث جهش تولید دانش بنیان شود. بر این اساس نیاز است تا رویکردی جامع در خصوص عوامل مؤثر بر عملکرد شرکت‌های دانش بنیان اتخاذ شود. این رویکرد باید بتواند تمامی ذی‌نفعان و بازیگران عرصه تولید دانش بنیان از مردم گرفته تا سایر ساختارهای رسمی و حاکمیتی مرتبط را شناسایی کرده و چگونگی مشارکت آنها با یکدیگر در راستای تسهیل و تسریع انجام وظایف را بیان کند. چنین رویکردی که در ادبیات حکمرانی از آن با عنوان حکمرانی مشارکتی یاد می‌شود، می‌تواند ضمن ایجاد تنظیمات نهادی به منظور مشارکت عوامل مختلف در تولید دانش بنیان، شبکه‌ای یکپارچه میان نهادهای رسمی با یکدیگر و نیز مردم با نهادهای رسمی ایجاد کند.



بیان / شرح مسئله

تولید دانش بنیان و اشتغال آفرین را می توان یک راهبرد مهم برای رونق اقتصادی در نظر گرفت که می تواند به برطرف کردن مشکلات اقتصادی بسیار کمک کند. چنین تولیدی مبتنی بر فعالیت شرکت های دانش بنیان خواهد بود. این شرکت ها به عنوان موتور پیشرفت اقتصادی در کشورهای در حال توسعه مطرح بوده و به عنوان محرک اصلی کارآفرینی برشمرده می شوند و دارای پتانسیل تسریع در خلاقیت، نوآوری و گشایش فرصت های نوین تجاری سازی به شمار می روند.

در این زمینه باید توجه کرد که چنین تولیدی محدود به تعداد مشخصی از شرکت کوچک و متوسط نیست، بلکه شبکه ای از بازیگران مختلف اعم از شرکت های دانش بنیان و نخبگان و فناوران در این امر نقش دارند که با مشارکت یکدیگر و با استفاده از تمام ظرفیت علمی و فناوری کشور دست به تحولات بنیادین در اقتصاد کشور می زنند. استفاده از این ظرفیت ها در جهت رونق شرکت های دانش بنیان، نیاز به نگاهی جامع در سیاست گذاری تولید دانش بنیان دارد. زیرا اتکا به مواردی همچون صرف افزایش تعداد شرکت های دانش بنیان، به تحول و ایجاد یک زیست بوم موفق در عرصه اقتصادی کشور منجر نمی شود. شرکت های دانش بنیان در مسیر موفقیت خود و تحقق اهدافی که در بالا بدان اشاره شد، بایستی الزاماتی را مدنظر قرار دهند که در ادامه به سه مورد از مهم ترین آنها اشاره خواهد شد:

۱ تولید و یا ارائه یک خدمت به نحوی که هم برمبنای دانش بومی شده در کشور انجام شود و هم اینکه بتواند دارای تأثیرات مثبت بر نظام اقتصادی کشور باشد، امری چندوجهی و پیچیده است. در این حوزه ضمن پذیرش نقش مهم شرکت های دانش بنیان در اکوسیستم نوآوری کشور، نباید از تأثیرات سایر بازیگران نیز غافل شد. برای نمونه براساس ادبیات حوزه سیاست گذاری علم، فناوری و نوآوری، مشارکت دولت، دانشگاه ها، صندوق های سرمایه گذاری و... با شرکت های دانش بنیان در این امر بسیار مهم است.

۲ یکی از موضوعات مهمی که در خصوص شرکت های دانش بنیان و یا اصولاً هر شرکت و نهاد دارای گردش مالی و منافع مالی، صدق می کند، احتمال بروز فسادهای مالی در آن نهاد است. مکانیسم های متعددی برای جلوگیری از روی دادن چنین مواردی وجود دارد که مشهورترین آنها قوانین و مقررات پولی و مالی و مجازات های مرتبط است. باین حال بررسی اجمالی برخی مسائل مطرح شده در دادگاه تخصصی شرکت های دانش بنیان و... نشان می دهد که الزامات قانونی لزوماً مانع از بروز تخلفات نمی شود. به نظر می رسد در خصوص این شرکت ها نیز می توان با افزایش مشارکت نهادهای مختلف و حتی مشارکت مردمی به منظور بالا بردن سطح نظارت، نرخ تخلفات را پایین آورد.

۳ امروزه به طور گسترده در محافل مختلف بحث بر سر رویکرد حل مسئله در میان بازیگران مختلف از جمله شرکت های دانش بنیان در کشور است. به بیان دیگر بیشتر صاحب نظران عقیده دارند که نهاد های مختلف در کشور باید برمبنای حل مسائل حوزه تخصصی خود برنامه ریزی و عمل کنند. در چنین حالتی دو منبع اصلی دریافت مسائل، دستگاه های حاکمیتی و نهادهای مردمی هستند. در رویکرد مسئله محور انتظار می رود تا نهادهای مختلف با طراحی مکانیسم های مشخصی بتوانند نظام مسائل کشور را در سطوح مختلف شناسایی و برای حل آنها اقدام کنند. چنین امری در قالب مشارکت دستگاه های حاکمیتی با یکدیگر و مشارکت مردم با آنها خود را نشان می دهد.

نقطه نظرات / یافته های کلیدی

امروزه یکی از مهم ترین مسائل کشور، مسئله اقتصاد است. این مسئله خود دارای مسائل ریزتر متعددی است که موضوع تولید را بنابر تأکیدات مقام معظم رهبری می توان به عنوان اصلی ترین زیرمسئله حوزه اقتصاد دانست. در این خصوص توجه به دو نکته بسیار حائز اهمیت است:

اولاً، مرور ادبیات و بررسی تجارب جهانی گویای این واقعیت است که برای داشتن اقتصادی پایدار که موجب ثروت افزایی و قدرت آفرینی ملی شود، باید ابتدای اقتصاد بر دانش و فناوری باشد. در چنین اقتصادی که از آن با عنوان «اقتصاد دانش بنیان» یاد می شود و با پذیرش این اصل که شرکت ها به عنوان بستر اصلی انجام فعالیت نوآورانه و توسعه فناوری شناخته می شوند، این شرکت ها



تلاش می‌کنند تا با تبدیل شدن به شرکت‌های دانش‌بنیان، اقدامات خود را بر مبنای دانش روز انجام دهند. ثانیاً، اقتصاد موضوعی پیچیده است که در آن نهادهای مختلفی نقش دارند. بر این اساس **موفقیت در امر اقتصاد به‌طور کلی و در سایر زیربخش‌های آن مانند موضوع تولید، بدون توجه به نقش سایر نهادها تقریباً غیرممکن است.** با توجه به این مهم لازم است تا هرگونه سیاستگذاری در حوزه اقتصاد با مشارکت نهادهای مربوطه انجام پذیرد و به‌طور شفاف نحوه و میزان مشارکت دوسویه آنها با اقتصاد و زیربخش‌های حوزه اقتصاد مشخص شود. این نحوه مشارکت که دارای دو قسم کلی مشارکت مردم در حوزه اقتصاد و یا مشارکت سایر نهادهای رسمی با نهادهای اصلی متولی امر اقتصاد است، تحت عنوان «حکمرانی مشارکتی» نام برده می‌شود.

پیشنهاد راهکارهای تقنینی، سیاستی یا نظارتی

بر اساس دو نکته فوق، می‌توان چنین گفت که حل مسئله اقتصاد در کشور در گرو پرداختن به «اقتصاد دانش‌بنیان مشارکتی» است، اقتصادی که بنیان آن بر دانش است و فرایندهای آن بر مبنای رویکرد حکمرانی مشارکتی پیش می‌رود.

بر اساس یافته‌های گزارش حاضر به‌منظور تحقق «اقتصاد دانش‌بنیان مشارکتی» حداقل در پنج موضوع مرتبط با شرکت‌های دانش‌بنیان باید رویکرد حکمرانی مشارکتی به‌عنوان رویکرد غالب به‌کار گرفته شود:

۱. **به‌منظور کاهش احتمال بروز فساد مالی و سایر چالش‌هایی از این دست باید ویژگی‌های یک شرکت دانش‌بنیان به‌صورت شفاف در قانون مشخص شود** تا امکان سوءاستفاده از این امتیازات کاهش یابد. در این راستا با مینا قرار دادن بیانات مقام معظم رهبری در خصوص ویژگی‌های هفت‌گانه یک شرکت دانش‌بنیان، باید تسهیلات و آیین‌نامه‌هایی با هدف استفاده شرکت‌های دانش‌بنیان از ظرفیت سایر نهادهای مربوطه به‌منظور تحقق ویژگی اختصاصی‌شان، تنظیم شود.

۲. بررسی قوانین و آیین‌نامه‌های حوزه شرکت‌های دانش‌بنیان گویای این واقعیت است که **در برخی موارد امکان تفسیر انحصارگرایی برای این شرکت‌ها در فضای بازار وجود دارد.** گرچه انحصار می‌تواند به‌عنوان یک سیاست زمان‌دار و حمایتی مورد توجه قرار گیرد، اما در بلندمدت آسیب‌های جدی به اقتصاد کشور وارد خواهد کرد. بر این اساس باید زمینه مشارکت شرکت‌ها با حفظ استقلال نهادهای خصوصی از یکدیگر ایجاد شود.

۳. یکی از دو قسم مهم در رویکرد حکمرانی مشارکتی، **مشارکت نهادهای رسمی با یکدیگر در تحقق اهداف مدنظر است.** با توجه به این نکته، ضروری است تا در قوانین و آیین‌نامه‌های حوزه اقتصاد دانش‌بنیان به جایگاه بخش آموزش و پرورش به‌عنوان پایه تربیت سرمایه انسانی مورد نیاز شرکت‌های دانش‌بنیان در آینده نه چندان دور، توجه ویژه شود.

۴. یکی از مفاهیم اساسی در حوزه حکمرانی مفهوم انسجام خط‌مشی‌هاست. این مفهوم ماهیتاً می‌تواند دارای ارتباط معناداری با رویکرد حکمرانی مشارکتی باشد. زیرا برای تحقق مشارکت، سیاستگذار باید تصمیماتی در بخش‌های مختلف اتخاذ کند که ناقض یکدیگر نباشد. در حوزه اقتصاد دانش‌بنیان مشارکتی نیز باید میان خط‌مشی‌ها در حوزه‌های علم، فناوری و نوآوری با اقتصاد و نیز سایر حوزه‌ها مانند حوزه سیاسی با این دو بخش انسجام و عدم تناقض وجود داشته باشد.

۵. ریشه اصلی اقتصاد دانش‌بنیان مشارکتی، دانش است. بر این اساس تولید و ترویج دانش به‌عنوان نخستین گام در چنین رویکرد نوبی به اقتصاد مطرح خواهد شد. در این حالت باید برنامه‌ریزی ویژه‌ای برای تولید دانش سودمند در دستور کار قرار گیرد. در این برنامه با توجه به مفاهیم مورد بحث در فلسفه علم و جامعه‌شناسی علم مانند «مشارکت عمومی در علم»، نیاز است نهادهای مؤثر در تولید علم به ایفای نقش بپردازند. بدین‌منظور این نهادها باید با توجه به هدف تحقق اقتصاد دانش‌بنیان مشارکتی، برنامه‌ای برای مشارکت با یکدیگر در تولید علم و ترویج آن در جامعه تدوین و اجرا کنند.

همچنین لازم است که اصلاح «قانون جهش تولید دانش‌بنیان» با رویکرد حکمرانی مشارکتی در دستور کار قرار بگیرد **تعیین سازوکارها و ابزارهای تعاملی و هم‌افزایی میان شرکت‌های دانش‌بنیان، پارک‌های علم و فناوری و بنگاه‌های کوچک و متوسط در آیین‌نامه‌های اجرایی قانون و بازنویسی «قانون جهش تولید دانش‌بنیان» مبتنی بر شبکه نهادی و ارتباطی بازیگران مختلف حوزه دانش‌بنیان کشور از جمله اصلاحات راهبردی است که برای اصلاح قانون و مقررات حوزه دانش‌بنیان کشور باید انجام شود.**

۱. مقدمه

تجاری سازی علم و تبدیل علم به ثروت یکی از مهم ترین موضوعاتی است که به طور جدی در میان کشورها دنبال می شود. در همین راستا مفهوم اقتصاد دانش بنیان بیش از پیش معنا پیدا می کند؛ اقتصاد نوینی که در آن استفاده از دانش در تولید محصولات و ارائه خدمات، نقشی حیاتی دارد.

در این رویکرد نو به اقتصاد، دیگر صرفاً نهادهای مالی و بانکی عهده دار امور اقتصادی نیستند، بلکه نوع دیگری از نهادها که نهادهای تولیدکننده علم، فناوری و نوآوری هستند یکی از عناصر مهم اقتصاد دانش بنیان و به نوعی محرک اقتصاد هستند. در اقتصاد دانش بنیان، شرکتها به عنوان بستر اصلی روی دادن امر نوآورانه همچون بانکها اهمیت پیدا می کنند؛ همچنین نگاه به سرمایه گذاری در این مدل از اقتصاد با گذشته تفاوت پیدا می کند و سرمایه گذاران در کنار سودآوری مالی به دنبال توسعه فناوری و نوآوری نیز هستند.

با توجه به ویژگی های اقتصاد دانش بنیان که به طور خلاصه در بالا بدان اشاره شد، بازیگران متعددی در این مدل از اقتصاد در کشور ما فعالیت دارند. از جمله این بازیگران می توان به این موارد اشاره کرد:

معاونت علمی و فناوری و اقتصاد دانش بنیان ریاست جمهوری، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانشگاهها و پژوهشگاهها، بنیاد ملی نخبگان، صندوق نوآوری و شکوفایی، پارکهای علم و فناوری، شرکت های خلاق، شتاب دهنده ها، کارخانه های نوآوری، کانون پتنت، استارت آپها، شرکت های دانش بنیان و ...

در خصوص بازیگران فوق باید دقت داشت که میزان اثرگذاری و نقش آنها با یکدیگر متفاوت است، اما به طور کلی با توجه به نقش محوری که برای شرکتها در تولید و توسعه فناوری در مطالعات مدیریت فناوری در نظر گرفته می شود، باید به شرکت های دانش بنیان در این نگاه نو به اقتصاد توجه های ویژه داشت؛ چراکه این شرکتها در زنجیره ارزش تولید فناوری، از تجاری سازی تا ورود پول به چرخه اقتصادی کشور را دنبال می کنند.

در آیین نامه ارزیابی شرکتها و مؤسسات دانش بنیان مصوب کارگروه ارزیابی و تشخیص صلاحیت شرکتها و مؤسسات دانش بنیان و نظارت بر اجرا نیز بر این مهم تأکید شده و این شرکتها را به این شکل تعریف کرده است: شرکت دانش بنیان، شرکت یا مؤسسه خصوصی یا تعاونی است که به منظور هم افزایی علم و ثروت، توسعه اقتصاد دانش محور، تحقق اهداف علمی و اقتصادی (شامل گسترش و کاربرد اختراع و نوآوری) و تجاری سازی نتایج تحقیق و توسعه (شامل طراحی و تولید کالاها و خدمات) در حوزه فناوری های برتر و با ارزش افزوده فراوان ایجاد می شود.

مقام معظم رهبری مدظله العالی نیز در خصوص تأثیر شرکت های دانش بنیان در اقتصاد کشور بیانات متعددی داشته اند؛ از قبیل «بنگاههایی که دانش بنیان هستند می توانند به اقتصاد ملی کمک کنند»^۱. «شرکت های دانش بنیان یکی از اساسی ترین کارها در مقوله اقتصاد مقاومتی است»^۲. «شرکت های دانش بنیان یکی از بهترین مظاهر و یکی از مؤثرترین مؤلفه های اقتصاد مقاومتی است»^۳.

رشد شرکت های دانش بنیان به عنوان یکی از مهم ترین بازیگران اقتصاد دانش بنیان، در گرو برنامه ریزی منسجمی است تا بتوان از همه ظرفیت کشور در این خصوص بهره برد. انسجام و هم افزایی میان مؤلفه های تأثیرگذار در رشد این شرکتها بسیار ضروری است و سبب رشد سریع تر و پایدارتر شرکت های دانش بنیان در کشور خواهد شد. ایجاد این انسجام و هم افزایی، نیازمند توجه به رویکردی است که به دنبال مشارکت بین عوامل مؤثر در این زمینه باشد. بر این اساس رویکرد حکمرانی مشارکتی به عنوان رویکردی تجربه شده و موفق در جهان، می تواند نقش مهمی ایفا کند. این رویکرد در ایجاد همکاری و مشارکت بین عوامل مؤثر در جهت موفقیت شرکت های دانش بنیان و برطرف کردن موانع تولید دانش بنیان بسیار کمک کننده است. در این گزارش با توجه به مفهوم حکمرانی مشارکتی، ضرورت توجه بیشتر به این رویکرد در خصوص شرکت های دانش بنیان تبیین خواهد شد.

۱. بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۹۴/۱/۱.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۹۳/۴/۱۱.

۳. بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۹۱/۰۵/۰۸.



۲. پیشینه پژوهشی و تقنینی



«مفهوم‌شناسی حکمرانی مشارکتی» به این موضوع پرداختند که برای پاسخگویی به بسیاری از چالش‌ها و مسائل مبتلابه در کشور، رویکرد حکمرانی مشارکتی می‌تواند کمک‌کننده باشد. براساس یافته‌های پژوهش تعارضات اجتماعی (حکومت‌گریزی)، پیچیدگی مسائل حکمرانی و اثرگذاری عوامل متعدد، ضعف فرهنگ مشارکت در جامعه، سوگیری‌های شناختی و تورش‌های رفتاری، محدودیت منابع و در نظر نگرفتن تاثیر مبانی فکری و نظام ارزشی مردم از جمله مهم‌ترین عواملی است که ضرورت پرداختن به حکمرانی مشارکتی در تمامی عرصه‌ها را مشخص می‌کند. در حوزه اقتصاد دانش بنیان و شرکت‌های دانش‌بنیان، گزارش‌هایی که تا حدی مرتبط با موضوع پژوهش حاضر هستند به شرح زیر آورده می‌شود.

موضوع اقتصاد دانش‌بنیان مشارکتی و حکمرانی مشارکتی در کسب‌وکار دانش‌بنیان که حوزه تخصصی گزارش حاضر است درصدد است با رویکرد میان‌رشته‌ای و چندبعدی، طرح بحثی را در این حوزه انجام دهد. با جستجو و تفحص در آثار علمی و همچنین گزارش‌های تخصصی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، به طور خاص هیچ گزارشی به صورت تخصصی این موضوع را بررسی نکرده است. هرچند گزارش‌های مختلفی به بیان چالش‌ها و مشکلات حوزه دانش‌بنیان و الزامات تحقق اقتصاد دانش‌بنیان پرداخته‌اند و ضرورت همگرایی و مشارکت کنشگران را مطرح کرده‌اند، اما این گزارش به‌طور خاص با تمرکز بر حکمرانی مشارکتی ابعاد چالش‌ها را بررسی کرده است. میرباقری و عبدی (۱۴۰۱)^۱ در گزارش خود با عنوان

جدول ۱. گزارش‌ها و پژوهش‌های مرتبط با حکمرانی مشارکتی در شرکت‌های دانش‌بنیان

ردیف	نویسندگان و سال انتشار	عنوان گزارش	درس‌آموخته‌ها
۱	مهدی بهرامی حسن آبادی، امین‌اله پاک‌تژاد، محمد برزگر خسروی (۱۴۰۱)	«تولید؛ دانش بنیان و اشتغال آفرین» از منظر سیاست‌های کلی نظام ^۲	در این گزارش با تحلیل و واکاوی موضوع تولید دانش بنیان و اشتغال آفرین در سیاست‌های کلی نظام، توصیه‌های راهبردی و سیاستی ارائه شده است. در گزارش حاضر زمینه‌های حمایت از تولید دانش بنیان در بخش‌های کشاورزی و غذایی، نفت و گاز، پزشکی، دفاعی-امنیتی، ساختمان و مسکن، فناوری ارتباطات و زیست محیطی مورد تبیین قرار گرفته است و راهبردهای پیشنهادی در دو دسته راهبردهای عام و خاص شامل مواردی همچون مرتب‌سازی آموزش و پژوهش با صنعت، ارتقای جایگاه شرکت‌های دانش‌بنیان و ... تشریح شده است.

1. <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/1757892/>
 2. <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/1760755/>
 3. <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/1743202/>

ردیف	نویسندگان و سال انتشار	عنوان گزارش	درس آموخته‌ها
۲	فاطمه حسابی ویشکائی و سهیلا خردمندی (۱۴۰۱)	در مسیر تولید دانش بنیان و اشتغال آفرین: آسیب شناسی نهادی نظام تجاری سازی علم و فناوری در کشور ^۳	در گزارش حاضر، سازمان‌های مؤثر در نظام تجاری سازی علم و فناوری کشور و کارکردهای آنها را شناسایی و نقاط ضعف، کاستی‌ها و گسستگی‌ها در این زمینه تحلیل و توصیف شده است. در این گزارش چالش‌های پیش روی فعالیت‌های دانش بنیان و فناوری‌ها شناسایی شده‌اند که مهم‌ترین آنها عبارتند از: ضعف در تجاری سازی به دلایلی همچون مشکل در تأمین مالی و سرمایه‌گذاری، کمبود مهارت‌های فنی، حقوقی و مدیریتی و ضعف در تیم‌سازی و شبکه‌سازی بین شرکت‌های دانش بنیان و صنعتی برای تجاری سازی و بازاریابی. در پایان گزارش نیز توصیه‌هایی همچون برنامه ایجاد تقسیم کار، مشارکت و هم‌افزایی بین نهادهای متولی تهیه و جمع‌آوری آمارهای پایه علم، فناوری، نوآوری و اقتصاد دانش بنیان در یک سامانه آماری جامع، تقویت مشارکت نهادهای خصوصی از قبیل سرمایه‌گذاران خطرپذیر، خیرین، فرشتگان کسب و کار در تأمین مالی فناوری و نوآوری با اعطای مشوق‌ها و امتیازها و به رسمیت شناختن کارگزاران تبادل علم، فناوری و نوآوری در تعامل با دانشگاه‌ها، مؤسسات پژوهشی، شرکت‌های دانش بنیان و صنعت و تکلیف دولت به تدوین آیین‌نامه ارائه شده است.
۳	حجت ورمزیاری، بهزاد دوستی سبزی و محسن بابائی (۱۴۰۲)	راهبری توسعه کارآفرینی دانش بنیان در مناطق روستایی و عشایری	گزارش حاضر در پی یافتن راهکاری برای این امر با تأکید بر درس آموخته‌های جهانی و ضعف‌های اقدامات فعلی در توسعه اشتغال و کارآفرینی روستایی و عشایری بوده است. یافته‌های گزارش حاضر حاکی از آن است که عملیاتی‌سازی سیاست‌ها و دستیابی به اهداف توسعه اشتغال و کارآفرینی در مناطق روستایی و عشایری کشور، همانند کشورهای موفق در این زمینه، نیازمند بازوهای اجرایی محلی است که از مزایای مراکز رشد و شتاب‌دهنده‌های کسب و کار بهره‌مند باشند و به مانند رویکرد نهاد جهاد سازندگی، از ظرفیت عظیم انگیزه‌های الهی در شکل دادن به جهش تولید و اشتغال در مناطق مذکور بهره‌گیرند. بر این اساس و بر مبنای بررسی‌های صورت گرفته، پیشنهاد گزارش حاضر، تشکیل مراکزی به منظور هدایت و حمایت از کارآفرینی روستایی و عشایری، تحت عنوان «مراکز جهاد اقتصادی» در سطوح محلی است. این مراکز باید با تأمین امکانات، زیرساخت‌ها، فضای اداری و بخشی از منابع مالی کارآفرینی از سوی دولت و با اتکا بر مدیریت نیروهای داوطلب متخصص و برخوردار از روحیه جهادی (با محوریت جوانان) فعالیت نمایند و خدمات توسعه کسب و کار را به صورت یکپارچه، در سطح محلی به بنگاه‌های اقتصادی و کارآفرینان و سرمایه‌گذاران ارائه دهند و در ازای احیاء و توسعه بنگاه‌های اقتصادی، با رویکرد غیرانتفاعی در آمد اخذ نمایند.
۴	هاجر زارعی، سهیلا خردمندی (۱۴۰۱)	چالش‌ها و راهکارهای سیاستی خوشه‌سازی شرکت‌های دانش بنیان	در گزارش حاضر، چالش‌های پیش روی خوشه شدن شرکت‌های دانش بنیان با یکدیگر در زیست‌بوم نوآوری در سه محور فرهنگی، اجرایی و حقوقی و قانونی دسته‌بندی شده‌اند. مهم‌ترین چالش‌ها از نظر فرهنگی عبارتند از: ضعف در کسب مهارت‌های فنی و حرفه‌ای، ضعف فرهنگ کار جمعی و شناخت حق و حقوق تسهیم منافع و مالکیت‌ها. از منظر اجرایی مسائلی همچون شفاف نبودن اولویت‌های فناوری‌ها در کشور مبتنی بر نیازها، فرصت‌ها و ظرفیت‌ها، بخشی‌نگری، ضعف در ایجاد حلقه‌های اتصال و ضعف در برنامه‌ریزی فضایی و توجه به اقتصاد فضا به‌عنوان پیش‌ران شکل‌گیری خوشه‌ها قابل ذکر هستند. از منظر حقوقی و قانونی نیز می‌توان به مسائلی همچون ناآشنایی کافی شرکت‌های کوچک با قراردادهای مشارکت حقوقی، نگرانی از رعایت حقوق مالکیت فکری و ضعف در برنامه‌ها و راهبردهای شفاف قانونی و اجرای آنها اشاره کرد.



درس‌آموخته‌ها	عنوان گزارش	نویسندگان و سال انتشار	ردیف
<p>در این گزارش تلاش شده با جمع‌آوری حداکثری اطلاعات موجود و در دسترس، عملکرد ۱۰ ساله قانون حمایت از شرکت‌ها و مؤسسه‌های دانش‌بنیان طی سال‌های (۱۴۰۰-۱۳۹۰) از منظر فعالیت شرکت‌های دانش‌بنیان بررسی و تحلیل شود. یافته‌های موجود درباره نحوه توزیع شرکت‌های دانش‌بنیان بر اساس نوع و سطح (نوپای نوع ۱ و ۲، تولیدی نوع ۱ و ۲) و زمینه فعالیت، همچنین روند تأسیس شرکت‌های جدید و نوپا، نحوه پراکنش شرکت‌های دانش‌بنیان در استان‌ها و استقرار آنها در پارک‌های علم و فناوری و ارزیابی مواردی همچون اشتغال، درآمد، صادرات، نحوه تأمین مالی فناوری و مؤلفه‌های شاخص جهانی نوآوری نشان می‌دهد تعداد شرکت‌های دانش‌بنیان تولیدی نوع ۲ بر سایر انواع شرکت‌های زیست‌بوم نوآوری غالب است (حدود ۵۶٪ کل شرکت‌ها) و نرخ تأسیس شرکت‌های نوپا و تبدیل آنها به شرکت‌های تولیدی نیز بسیار پایین آمده است. تعداد شرکت‌های دانش‌بنیان مستقر در پارک‌های علم و فناوری به‌طور متوسط ۱۷ درصد کل واحدها و شرکت‌های هر پارک است و میزان فعالیت و درآمد پارک‌ها نشان می‌دهد روند رشد و بلوغ شرکت‌های دانش‌بنیان و هسته‌های فناور مستقر در آنها نیز کند است و ممکن است ظرفیت زیست‌بوم نوآوری کشور از منظر شرکت‌های دانش‌بنیان به عنوان بازیگران کلیدی این عرصه در آینده با چالش جدی مواجه شود. این در حالی است که عمده تمرکز نظام علم و فناوری و نوآوری کشور بر آموزش عالی و خلق دانش بوده و هر چند تا کنون در تربیت نیروی دانشگاهی و محتوای علمی بهتر از سایر مؤلفه‌های نوآوری عمل کرده، اما در هدایت نتایج تحقیقات و نیروی متخصص به سمت ایجاد و توسعه کسب و کارهای نوآورانه موفقیت قابل قبولی نداشته است. محیط نهادی (اعم از محیط سیاسی، قانونی و کسب و کار) هنوز بعد از گذشت ۱۰ سال از اجرای قانون حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان برای توسعه این فعالیت‌ها مساعد نشده و جذب دانش و انتشار فناوری و تأمین مالی به کمک بخش خصوصی نیز به دلیل ضعف‌ها و نقص‌های موجود در تقویت پیوندها از قبیل ارتباط دانشگاه و صنعت، خوشه‌سازی و شبکه‌سازی، ارتباطات بین‌المللی و تربیت نیروی کار دانشی و رفع انحصار و رقابت غیرعادلانه با مشکل مواجه است</p>	<p>گزارش نظارتی ارزیابی عملکرد قانون حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان و تجاری‌سازی اختراعات و نوآوری‌ها (با نگاهی به روند توسعه فعالیت‌های دانش‌بنیان در کشور در آستانه تدوین برنامه هفتم توسعه)</p>	<p>سهیلاخردمندتیا (۱۴۰۱)</p>	<p>۵</p>
<p>هدف گزارش حاضر بررسی طرح با عنوان «توسعه شبکه ملی توسعه فناوری‌های حوزه انرژی، آب و محیط زیست» است. تحلیل محتوایی طرح حاکی از آن است که اگرچه به درستی در مقدمه توجهی طرح ضرورت شبکه‌سازی میان بازیگران اصلی حوزه فناوری به منظور بستر لازم برای تقویت تولید اغلب محصولات مهم و راهبردی در داخل کشور شناسایی شده، اما احکام پیشنهادی بنابه دلایلی که در متن گزارش به تفصیل اشاره شده، اثربخشی لازم را ندارد. از جمله این موارد می‌توان به مغایر بودن برخی از مواد با اصول قانون اساسی، سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری و سیاست‌های کلی نظام اداری اشاره کرد. تکراری بودن برخی از احکام پیشنهادی با مواد قوانین تخصصی موجود این حوزه از جمله «قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی، مصوب سال ۱۳۹۸» و «قانون جهش تولید دانش‌بنیان، مصوب سال ۱۴۰۱»، «تداخل وظایف دستگاه‌های اجرایی و موسع بودن اهداف طرح از دیگر چالش‌های طرح پیشنهادی است. لذا با توجه به مطالب عنوان شده پیشنهاد رد کلیات طرح مدنظر است. لکن با توجه به دغدغه صحیح طرح، فراهم‌سازی بسترهای لازم برای شبکه‌سازی فناوری به منظور انتقال فناوری و انباشت دانش در میان بازیگران اصلی حوزه فناوری در قالب برنامه هفتم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پیشنهاد می‌شود.</p>	<p>اظهار نظر کارشناسی درباره: «طرح توسعه شبکه ملی توسعه فناوری‌های حوزه انرژی، آب و محیط زیست»</p>	<p>فاطمه میرجلیلی، سعید شجاعی (۱۴۰۱)</p>	<p>۶</p>

ردیف	نویسندگان و سال انتشار	عنوان گزارش	درس آموخته‌ها
۷	شاهین جوادی، سهیلا خردمندنیا (۱۴۰۱)	تحلیلی بر چالش‌های انتقال فناوری در ایران	در گزارش حاضر، ابعاد مختلف و عوامل مؤثر بر فرایند انتقال فناوری شامل مراحل انتخاب و اکتساب، انطباق و جذب و توسعه و انتشار فناوری، بررسی شده است. کارشناسان و متخصصان حوزه توسعه فناوری، وضعیت کلی انتقال بین المللی فناوری در ایران را نامناسب می‌دانند که به تبع سبب عملکرد نامناسب بنگاه‌ها و کارآفرینان در فرایند کارآفرینی مولد و تولید می‌شود. مهم‌ترین چالش‌های انتقال فناوری از دیدگاه متخصصان عبارتند از: محدودیت‌ها در محیط فناوری و نوآوری شامل ضعف در سطح آمادگی فناوری و نوآوری بنگاه‌ها، ضعف در سطح آمادگی فناوری و نوآوری نهادهای دولتی مانند شهرداری‌ها و ...، ضعف در سطح آمادگی فناوری و نوآوری نیروی کار، ضعف در شبکه‌های آزمایشگاهی و تحقیقاتی و محدودیت‌ها در سایر محیط‌های نهادی و اقتصادی. از این رو، اتخاذ سیاست‌هایی برای انتقال فناوری را ضروری می‌دانند.
۸	مرتضی براتی (۱۴۰۱)	موانع و چالش‌های برندسازی محصولات دانش بنیان در ایران و راهکارها	در این گزارش چالش‌های متعددی در خصوص برندسازی مورد بحث قرار می‌گیرد که اکثر آنها در حوزه عمومی بودند، با این حال در مواردی چالش‌ها در حوزه دانش بنیان مشهودتر و پررنگتر بود. ثبات قیمت و کیفیت و نیاز به اخذ استانداردهای لازم و تأمین هزینه‌های آن، نوپا بودن شرکت‌های استارت‌آپی و چالش زمانبر بودن برندسازی و ایجاد وفاداری به برند، عدم شناخت صحیح مقوله برندسازی، به روز نبودن قوانین و آیین‌نامه‌های مرتبط، ریسک اقتصادی و کاهش سرمایه‌گذاری، کاستی و نبود ضمانت اجرایی در بحث مالکیت فکری از مهم‌ترین چالش‌های برندسازی در حوزه دانش بنیان شناسایی شد. در راستای رفع چالش‌های موجود در برندسازی و تقویت برندسازی در کشور که می‌تواند به نوبه خود در محصولات دانش بنیان نیز مؤثر باشد الزاماتی از قبیل بهبود فضای کسب و کار به‌ویژه تجارت الکترونیکی، رقابت‌پذیری و اخذ استانداردهای لازم به‌منظور بهبود کیفیت و همچنین جذب سرمایه‌های خارجی و تغییر دیدگاه مدیران در بنگاه‌های ایرانی نسبت به سرمایه‌گذاری روی برند ضروری است. در کنار این موارد، استقرار و ایجاد زیرساخت‌های قانونی نظیر به‌روزرسانی قوانین و آیین‌نامه‌های مربوط به برندسازی اینترنتی، تسریع روال قانونی رفع ایرادهای شورای نگهبان در طرح مالکیت صنعتی و ابلاغ قانون و همچنین حمایت از مالکیت ادبی و هنری (که برای شرکت‌های دانش بنیان حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات اهمیت زیادی دارد)، از طریق تدوین قانون جامع و با ضمانت اجرایی کافی از اهمیت بسزایی برخوردار است.

از ادبیات حکمرانی مشارکتی، برخی از توصیه‌های کاربردی برای تقویت حکمرانی مشارکتی در حوزه شرکت‌های دانش بنیان ارائه دهد.

در مطالعات و گزارش‌های پیشین یکی از راهکارهایی که ارائه شده است، بحث تقویت مشارکت تمامی بخش‌ها در حوزه دانش بنیان است. بر این اساس گزارش حاضر تلاش کرده است که با بهره‌گیری

۳. مسئله‌شناسی



خلاقیت، نوآوری و گشایش فرصت‌های نوین تجاری‌سازی به‌شمار می‌روند [۱].

در شکل زیر جایگاه حیاتی شرکت‌های دانش‌بنیان براساس بیانات مقام معظم رهبری مدظله‌العالی در اقتصاد کشور نشان داده شده است:

تولید دانش‌بنیان را می‌توان یک راهبرد مهم برای رونق اقتصادی، ارزش‌آفرینی و حل چالش‌هایی مانند نبود اشتغال برای افراد تحصیل‌کرده، در نظر گرفت. فعالیت شرکت‌های دانش‌بنیان به‌عنوان موتور پیشرفت اقتصادی در بسیاری از کشورهای جهان مطرح بوده و به‌عنوان محرک اصلی کارآفرینی برشمرده شده است؛ این شرکت‌ها دارای پتانسیل تسریع در

شکل ۱. مهم‌ترین مسائل کشور در چند دهه اخیر از منظر رهبر انقلاب^۱



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

تأثیرات مثبت بر نظام اقتصادی کشور باشد، امری چندوجهی و پیچیده است. در این حوزه با قبول نقش مهم شرکت‌های دانش‌بنیان، نباید از تأثیرات سایر بازیگران نیز غافل شد. برای نمونه و براساس ادبیات حوزه سیاست‌گذاری علم، فناوری و نوآوری، دولت، دانشگاه‌ها، صندوق‌های سرمایه‌گذاری و... نیز در کنار شرکت‌های دانش‌بنیان در این امر نقش دارند. در این حالت رویکرد مشارکتی بر مبنای مشارکت نهادهای مرتبط در این موضوع با یکدیگر معنا خواهد داشت. در واقع موفقیت شرکت‌های دانش‌بنیان در تولید محصول و یا ارائه خدمت نیاز به مشارکت همه نهادهای رسمی با یکدیگر دارد. بر این اساس و با توجه به نیاز به هماهنگی و برنامه‌ریزی در مشارکت این نهادها با هم، مفهوم حکمرانی به‌عنوان مفهوم قوام‌دهنده این مشارکت قابل بیان است. به‌طور خلاصه چنین مشارکتی بر مبنای ادبیات حکمرانی تحت عنوان حکمرانی مشارکتی^۲ تفسیر می‌شود.

۲. یکی از موضوعات مهمی که در خصوص شرکت‌های دانش‌بنیان و یا اصولاً هر شرکت و نهادی که دارای گردش مالی و منافع مالی است، صدق می‌کند، احتمال بروز فسادهای مالی در آن نهاد است. مکانیسم‌های متعددی برای جلوگیری

با توجه به شکل ۱، می‌توان تولید دانش‌محور را یکی از موضوعات بسیار مهم و راهبردی کشور دانست، البته طبیعی است زمانی که از اثر شرکت‌های دانش‌بنیان بر اقتصاد کشوری همچون ایران سخن به میان می‌آید، موضوع محدود به تعداد معدودی از شرکت کوچک و متوسط نیست، بلکه مقصود شبکه‌ای از بازیگران مختلف اعم از شرکت‌های دانش‌بنیان و نخبگان و فناوران هستند که با مشارکت یکدیگر و با استفاده از تمام ظرفیت علمی و فناوری کشور دست به تحولات بنیادین در اقتصاد کشور می‌زنند. استفاده از این ظرفیت‌ها در جهت رونق شرکت‌های دانش‌بنیان، نیاز به نگاهی جامع در سیاست‌گذاری تولید دانش‌بنیان دارد. زیرا ممکن است صرفاً افزایش تعداد شرکت‌های دانش‌بنیان، به تحول و ایجاد یک زیست‌بوم موفق در عرصه اقتصادی کشور منجر نشود.

شرکت‌های دانش‌بنیان در مسیر موفقیت خود و تحقق اهدافی که در بالا بدان اشاره شد، باید الزامات و اصولی را مدنظر قرار دهند که در ادامه به سه مورد از مهم‌ترین آنها اشاره خواهد شد:

۱. تولید و یا ارائه یک خدمت به‌نحوی که هم بر مبنای دانش بومی شده در کشور انجام شود و هم اینکه بتواند دارای

۱. نامگذاری سال‌ها از سال ۱۳۸۷ تاکنون و همچنین بیانات در تاریخ‌های ۱۳۹۶/۱/۳۰، ۱۳۹۷/۰۳/۰۲، ۱۳۹۸/۰۲/۲۴، ۱۳۹۵/۰۱/۰۱، ۱۳۹۶/۰۱/۰۱، ۱۳۹۶/۱۲/۲۹، ۱۳۹۶/۰۱/۰۱، ۱۳۹۶/۰۲/۱۷، ۱۳۹۶/۰۱/۰۱، ۱۴۰۱/۰۲/۲۳، ۱۴۰۱/۰۲/۱۹، ۱۴۰۱/۰۲/۱۹ اشاره کرد.

نهادهای مختلف در کشور باید بر مبنای حل مسائل حوزه تخصصی خود برنامه ریزی و عمل کنند. در چنین حالتی دو منبع اصلی ارائه مسائل و راه حل ها دستگاه های حاکمیتی و نیز مردم و نهادهای مردمی هستند. در رویکرد مسئله محور انتظار می رود تا نهادهای مختلف با طراحی مکانیسم های مشخصی بتوانند نظام مسائل کشور را در سطوح مختلف شناسایی و برای حل آنها اقدام کنند. چنین امری در قالب مشارکت دستگاه های حاکمیتی با یکدیگر و مشارکت مردم با آنها خود را نشان می دهد؛ همان طور که پیشتر نیز ذکر شد هر دو حالت بیان شده در ادبیات حکمرانی تحت عنوان حکمرانی مشارکتی قابل بحث است.

از روی دادن چنین مواردی وجود دارد که مرسوم ترین آنها وضع قوانین و مقررات پولی و مالی و مجازات های مرتبط است. باین حال بررسی اجمالی برخی مسائل مطرح شده در دادگاه تخصصی شرکت های دانش بنیان و... نشان می دهد که الزامات قانونی لزوماً مانع از بروز تخلفات نمی شود. به نظر می رسد در خصوص این شرکت ها نیز می توان با افزایش نظارت عمومی و کارهایی از این دست، نرخ تخلفات را پایین آورد. مشارکت مردم در امور حاکمیتی در ادبیات حکمرانی، تحت عنوان حکمرانی مشارکتی^۱ قابل طرح خواهد بود.

۳. امروزه به طور گسترده در محافل مختلف بحث بر سر رویکرد حل مسئله در میان بازیگران مختلف در نظام جمهوری اسلامی ایران است. به بیان دیگر عمده صاحب نظران عقیده دارند که

۴. مقدمه ای بر حکمرانی مشارکتی

توصیف می شود، در صورتی مرتفع می شود که از طریق مشارکت طرف های مختلف که مستقیماً مسئول و تأثیرگذار در حل مشکل هستند، مورد توجه قرار گیرد [۴].

حکمرانی مشارکتی توسط بسیاری از پژوهشگران به عنوان راهی بالقوه برای از بین بردن تصور بیگانگی در رأی دهندگان و احساس سرخوردگی از روند سیاسی معرفی می شود و از مشارکت دادن شهروندان در تصمیماتی که زندگی آنها را به شیوه ای معنا دار تحت تأثیر قرار می دهد، حمایت می کنند [۵].

حکمرانی مشارکتی در بسیاری از کشورها به طور گسترده به عنوان یک پیش نیاز اساسی برای اجرای موفقیت آمیز پروژه های عمومی تلقی می شود [۶]. حکمرانی مشارکتی به دنبال مشارکت و همکاری اکثر ذی نفعان شامل مردم و نهادهای رسمی در فرایند حکمرانی با روش هایی مانند تصمیم گیری جمعی و کار جمعی بوده و دارای سه ویژگی اختیاری بودن، آگاهانه بودن و هدفمند بودن است.

حکمرانی را می توان اعمال اقتدار از طریق سنت ها و نهادهای رسمی و غیر رسمی به منظور تأمین منافع عامه تعریف کرد. حکمرانی به سازمان ها و افرادی می پردازد که در فرایند تصمیم گیری و اجرای تصمیمات نقش دارند [۲]. در حکمرانی رویکردهای متنوعی مورد بحث قرار می گیرد که یکی از مهم ترین این رویکردها، رویکرد حکمرانی مشارکتی است. حکمرانی مشارکتی اخیراً از سوی سیاستگذاران بسیار مورد توجه قرار گرفته است. این رویکرد، به عنوان روشی موفق برای حل بهتر مسائل و ایجاد انسجام بین نهادهای مختلف معرفی شده است [۳].

حکمرانی مشارکتی می تواند به عنوان رویکردی برای دستیابی به توافق قابل قبول تر، غنی تر و پایدارتر بین نهادهای حکمرانی با یکدیگر و نیز با مردم دیده شود. بسیاری از کارشناسان در زمینه حکمرانی مشارکتی استدلال می کنند که پیچیدگی و عدم قطعیت که به عنوان یک مشکل سخت در تصمیمات

۵. گونه‌شناسی حکمرانی مشارکتی و تولید دانش بنیان

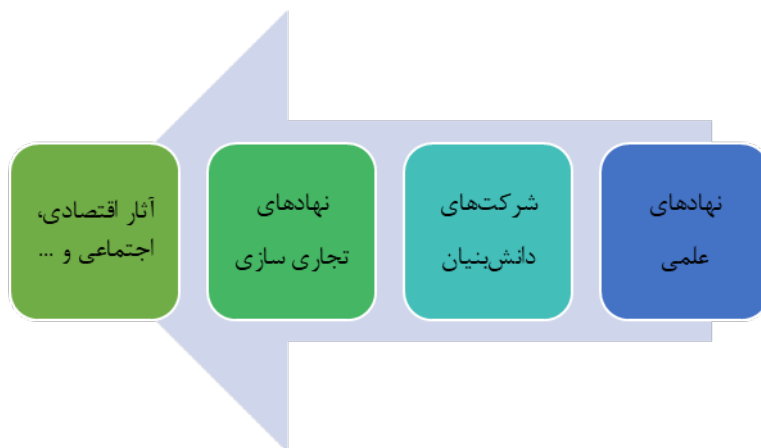
رسمی در تولید دانش بنیان را به سه دسته زیر تقسیم‌بندی کرد:

۱. نهادهای تولید علم به‌عنوان تولیدکنندگان دانش کاربردی و نیروی انسانی مسئله‌محور، با مهارت و خلاق؛
۲. شرکت‌های دانش بنیان به‌عنوان شرکت‌های تبدیل دانش به محصول و خدمت؛
۳. نهادهای تجاری‌سازی محصول و خدمات که باعث برندسازی، بازاریابی و فروش محصولات می‌شود.

براساس ادبیات حوزه حکمرانی مشارکتی،^۱ حکمرانی مشارکتی در تولید دانش بنیان را نیز می‌توان به دو دسته اصلی تقسیم کرد:

دسته اول، مشارکت بین مراکز و نهادهای رسمی در عرصه حکمرانی با یکدیگر است که از آن با عنوان مشارکت بین‌بخشی تعبیر می‌شود [۷]. منظور از مراکز و نهادهای رسمی حکمرانی در این بحث، سازمان‌هایی همچون معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش بنیان ریاست‌جمهوری و... است. متأثر از یک نگاه سیستمی می‌توان مهم‌ترین این نهادهای

شکل ۲. مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر تولید دانش بنیان و برخی دستاوردهای آن



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

واحدهای فناور مستقر در مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری و جهاد دانشگاهی، سراهای نوآوری دانشگاه آزاد اسلامی و واحدهای خلاق و محصولات آنها را به‌صورت تخصصی و مجزا اعلام نماید. دستگاه‌های اجرایی مرکزی موظفند با تجمیع تقاضا، برای بازاریابی و تسهیل خرید از فهرست مذکور از محل ردیف‌های بودجه ذیل خود برنامه‌ریزی و نظارت نمایند».

دسته دوم، مشارکت بین نهادهای مؤثر در تولید دانش بنیان و مردم است. به‌نظر می‌رسد در سه مرحله ذکر شده در شکل ۲، می‌توان از ظرفیت‌های علمی، مشورتی و مالی مردمی در قالب‌های مختلف بهره‌گرفت و این فرایند را سرعت داد.

نهادهای سیاست‌گذاری، نهادهای مالی و نهادهای اجرایی نیز به‌صورت غیرمستقیم بر تولید دانش بنیان تأثیرگذار هستند. در این نهادها، مراکز و سازمان‌های متعددی وجود دارد که باید با یکدیگر همکاری کنند. در ماده (۱) قانون جهش تولید دانش بنیان نیز به مشارکت کلیه دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری اشاره شده است.

در بند «ب» ماده (۱۰) قانون جهش تولید دانش بنیان بر مشارکت میان نهادهای رسمی با یکدیگر در شناسایی و حل مسائل ملی تأکید شده است: «وزارت علوم، تحقیقات و فناوری موظف است سالیانه فهرست شرکت‌ها و مؤسسات دانش بنیان،

۱. در گزارش «مفهوم‌شناسی حکمرانی مشارکتی» با شماره مسلسل ۱۸۸۰۰ که در بهمن‌ماه سال ۱۴۰۱ توسط مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی منتشر شده، به‌طور مفصل در خصوص حکمرانی مشارکتی بحث شده است.

۲. **مشارکت در سرمایه‌گذاری:** تولید دانش‌بنیان فرصت خوبی را برای جذب سرمایه‌های مردمی در جهت تهیه امکانات و تجهیزات فراهم می‌کند. مشارکت در سرمایه‌گذاری در این شرکت‌ها می‌تواند سرمایه مورد نیاز این شرکت‌ها را تأمین و به رونق تولید این شرکت‌ها کمک کند. در این خصوص «نهاد خیرین دانش‌بنیان» می‌توانند ایجاد شود. یعنی همان‌طور که خیرین مدرسه‌ساز یا خیرین سلامت داریم، یک انجمن و نهاد مردم‌نهاد در حیطه دانش‌بنیانی ایجاد شود.

۳. **مشارکت در خرید و مصرف:** محصولات و خدمات تولید شده شرکت‌های دانش‌بنیان باید از سوی آحاد مردم مورد حمایت و پشتیبانی قرار گیرد تا شرکت‌های دانش‌بنیان بتوانند به‌مرور با تقویت زیرساخت‌ها و امکانات مورد نیاز خود به تولید انبوه برسند و قابلیت رقابت در بازارهای بین‌المللی را پیدا کنند. دولت نیز می‌تواند با حذف مالیات بر مصرف‌کننده و حتی تبلیغات ارزان‌قیمت در صداوسیما، وسایل و اماکن عمومی، در اقبال مردم به محصولات و خدمات شرکت‌های دانش‌بنیان تسهیلگری کند.

در نظر گرفتن مردم و نهادهای مؤثر در تولید دانش‌بنیان بسیار مهم است. زیرا طبق قاعده مراقبه و موازنه^۱ می‌توان توازن بیشتری بین ذی‌نفعان برقرار کرد [۸]. شبکه‌سازی در شرکت‌های دانش‌بنیان نیز منجر به اشتراک دانش و افزایش سرعت جریان دانش در کشور می‌شود و در نتیجه باعث پیشرفت در تولید دانش‌بنیان خواهد شد. هدف از شبکه‌سازی در تولید دانش‌بنیان، به‌کارگیری تمام ظرفیت‌ها و استفاده از دانش تولید شده توسط یک بخش، در دیگر بخش‌ها و به اشتراک‌گذاری دانش صریح و ضمنی است [۹].

با توجه به شکل ۳، می‌توان نقش مردم را در تولید دانش‌بنیان به‌صورت زیر بیان کرد:

۱. **مشارکت در تأمین منابع انسانی:** نیروی انسانی در اولین نهاد اجتماعی یعنی خانواده تربیت می‌شود. خانواده‌ها می‌توانند فرزندان خود را با مهارت‌های لازم همچون خلاقیت از کودکی آشنا کنند. نخبگان، ایده‌پردازان و افراد با مهارت با ورود به شرکت‌های دانش‌بنیان می‌توانند سرمایه انسانی متخصص مورد نیاز این شرکت‌ها را در بخش‌های تولید محصول، بازاریابی و... تأمین کنند.

شکل ۳. نقش مردم در تولید دانش‌بنیان



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

اشاره دارد و دسته دوم که از آن با عنوان **Participatory Governance** می‌توان یاد کرد بر نقش مردم و نهادهای غیررسمی در کمک به نهادهای رسمی در راستای تحقق اهدافشان تأکید می‌کند.

به‌طور خلاصه دسته اول از مشارکت که در ادبیات حکمرانی از آن با عنوان **Collaborative Governance** یاد می‌شود بر مشارکت و همکاری نهادهای رسمی در حوزه اقتصاد دانش‌بنیان با یکدیگر مانند همکاری معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان ریاست‌جمهوری با وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



۶. جایگاه حکمرانی مشارکتی در قوانین مرتبط با شرکت‌های دانش‌بنیان

آنها تدوین شده است. در این قوانین و آیین‌نامه‌ها، منابع مالی و تسهیلات گوناگونی برای پشتیبانی از فعالیت شرکت‌های دانش‌بنیان در نظر گرفته می‌شود [۱۰]. مهم‌ترین این موارد در شکل ۴ نشان داده شده است.

با توجه به نقش مهم شرکت‌های دانش‌بنیان در اقتصاد کشورها، سیاستگذاران ترغیب شده‌اند تا بسته‌های سیاستی محرک و حمایتی برای رونق این شرکت‌ها تدوین کنند. در ایران نیز این نوع شرکت‌ها در سال‌های اخیر مورد توجه بیشتری قرار گرفته‌اند و قوانین و آیین‌نامه‌های متعددی در جهت حمایت از

شکل ۴. مروری بر قوانین و آیین‌نامه‌های مرتبط با تولید دانش‌بنیان



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

به‌تنهایی جوابگو نیست. یکی از تبعات این مدل سیاست‌گذاری، ورود رانت‌جویان به این عرصه و حذف کارآفرینان و نوآوران واقعی است که از قدرت چانه‌زنی کمی برخوردار هستند. همچنین، این نوع نگاه در قبال اقتصاد دانش‌بنیان، نه‌تنها سطحی‌نگرانه است، بلکه اجرای آن با دستاوردهای کاملاً متضاد از آنچه انتظار می‌رود مواجه خواهد شد.^۲ با توجه به این نقد کلان، در ادامه ضمن بیان برخی ایرادهای موردی به این نحوه تصمیم‌گیری، به نقش رویکرد حکمرانی مشارکتی در رفع این ایرادها اشاره خواهد شد.

علاوه بر حمایت‌هایی که در قانون در نظر گرفته شده است، «مرکز شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان» با استفاده از ظرفیت‌های موجود در سایر دستگاه‌ها، اقدام به ایجاد حمایت‌های متنوعی به‌منظور توسعه کسب‌وکار دانش‌بنیان کرده که صرفاً در این مرکز بیش از ۱۱۰ عنوان تهیه و تدوین شده است.^۱ گرچه گسترش تمهیدات متنوع برای حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان امری ضروری و لازم به‌نظر می‌رسد، اما باید توجه داشت که این شیوه تصمیم‌گیری غیرمنسجم که به هم‌افزایی و مشارکت نهادهای مرتبط توجه چندانی ندارد،

1. Daneshbonyan.Isti.ir

۲. مرکز پژوهش‌های اتاق ایران، گزارش «اقتصاد دانش‌بنیان (مفهوم، الزامات، شاخص‌ها و راهکارها)»، مورخ ۱۴۰۱/۳/۲۱.

ضوابط کیفی تعیین بشود؛ این جور نباشد که فلان شرکتی که با فناوری چهل سال پیش دارد کار می کند، بیاید به عنوان شرکت دانش بنیان ثبت نام کند، مثلاً از بهره مندی ها و امکانات و تسهیلاتی که هست استفاده کند؛ این درست نیست. احتیاج است به اینکه شاخص های دقیقی، شاخص های کیفی ای معین کنند و آنها را جدی بگیرند!

ایشان در ادامه همین بیانات، هفت ویژگی مهم برای شرکت های دانش بنیان برمی شمارند که می توان از آنها به عنوان مؤلفه های اصلی در شناسایی شرکت های دانش بنیان از سایر شرکت ها بهره برد. نکته قابل اهمیت در این ویژگی ها عدم اتکالی صرف ایشان بر موضوع فناوری است؛ نکته ای که با توجه به ماهیت اجتماعی و اقتصادی شرکت های دانش بنیان بسیار حائز اهمیت است.

این هفت ویژگی به صورت خلاصه در شکل ۵، نشان داده شده اند.

۶-۱. بیان نکردن شفاف ویژگی های یک شرکت دانش بنیان

در آیین نامه ارزیابی شرکت ها و مؤسسات دانش بنیان (مصوب کارگروه ارزیابی و تشخیص صلاحیت شرکت ها و مؤسسات دانش بنیان و نظارت بر اجرا، مورخ ۱۴۰۰/۱۱/۰۲)، برخی از معیارهای یک شرکت دانش بنیان مشخص شده است. در این آیین نامه محصولات و خدمات دانش بنیان (و خارج از آن)، بسته به میزان پیچیدگی فنی و سطح فناوری در آنها، به دو دسته کالاها و خدمات دانش بنیان با فناوری در سطوح ۱ یا ۲ طبقه بندی می شوند. اکتفا به چنین توضیحاتی برای تعیین دانش بنیان بودن و یا نبودن یک شرکت، سبب بروز تفاسیر متعدد و گاه شخصی از این امر می شود. در چنین حالتی فرصتی برای سودجویان فراهم خواهد آمد.

در این رابطه مقام معظم رهبری مدظله العالی با ابراز نگرانی از این موضوع می فرمایند: «برای شرکت های دانش بنیان باید

شکل ۵. هفت ویژگی مهم شرکت های دانش بنیان^۲



مأخذ: یافته های تحقیق.

و تعمیق این ویژگی ها بحث و بررسی کرد. در جدول زیر به طور خلاصه جایگاه این رویکرد در هر کدام از ویژگی های فوق نشان داده شده است:

با معیار قرار دادن این هفت ویژگی به عنوان مؤلفه های تمییز یک شرکت دانش بنیان از سایر انواع موجودیت های مشابه، می توان در خصوص نقش رویکرد حکمرانی مشارکتی در تحقق

۱. بیانات در تاریخ ۱۴۰۱/۰۱/۲۳.
۲. همان.



جدول ۲. جایگاه رویکرد حکمرانی مشارکتی در شرکت‌های دانش‌بنیان

نوع مشارکت	جایگاه رویکرد حکمرانی مشارکتی در تحقق و تعمیق این ویژگی	ویژگی شرکت دانش‌بنیان
Perspiratory Governance Collaborative Governance	نوآور بودن به معنای باز کردن فرصت‌های برابر برای بهره‌مندی از صاحبان ایده، سرمایه‌گذاران و... است. با توجه به این توضیح، شرکت‌های دانش‌بنیان برای آنکه بتوانند دست به تولید محصول و یا ارائه خدمات نوآورانه زنند، باید زمینه مشارکت افراد و مشارکت نهادهای مختلف را با خود همراه کنند.	نوآوری
Collaborative Governance	ارزش افزوده آفرینی یعنی اینکه شرکت دانش‌بنیان بتواند ضمن تعیین جایگاه خود در زنجیره ارزش بازار، نقش خود را نیز به خوبی در آن جایگاه ایفا کند. به بیان دیگر قرار گرفتن در زنجیره ارزش نیاز به مشارکت با سایر نهادهای قبل و بعد در عملیات شرکت دانش‌بنیان دارد.	ارزش افزوده آفرینی
Collaborative Governance	کاهش ارزشی به نوعی معنای تولید محصولاتی است که نیاز کشور به واردات را کم کند. از این رو این ویژگی در ارتباط تنگاتنگی با توضیحات ارائه شده در خصوص حل مسئله و قابلیت صادرات است.	کاهش ارزشی
Perspiratory Governance Collaborative Governance	این دو ویژگی نیز که دارای ارتباط معناداری با یکدیگرند، با مشارکت نخبگان و صاحبان ایده و سرمایه که در خصوص ویژگی نوآور بودن شرکت‌های دانش‌بنیان ارائه شد، مرتبط هستند.	داشتن نیروهای متخصص اشتغال آفرینی
Collaborative Governance	شرکت‌های دانش‌بنیان چه در مرحله تأسیس و چه در مرحله اقدام باید بر اساس نیازها و مسائل کشور عمل کنند. در این راستا نیاز است تا بر اساس مکانیسم‌های مشخصی، این شرکت‌ها در ارتباط با سایر نهادها، در فرایند برنامه‌ریزی نهادها در راستای چگونگی شناسایی و حل مسائل شناسایی شده خود مشارکت فعالی داشته باشند.	حل مسئله
Collaborative Governance	صادرات عموماً اقدامی پیچیده است که دارای ابعاد بسیار مختلفی می‌باشد. تحقق یک صادرات موفق نیاز به مشارکت چندین نهاد با یکدیگر دارد. برای مثال از مرحله شناخت بازار هدف که نیازمند انجام تحقیقات بازار دقیق و بعضاً میدانی است تا طراحی و تولید محصول با کیفیت مناسب که می‌تواند در همکاری میان دو و یا چند شرکت انجام گیرد تا بسته‌بندی و فروش و انجام امور مالی.	قابلیت صادرات

ارائه دهند. بر این اساس باید دستگاه‌های مختلف با مشارکت یکدیگر در یک شبکه یکپارچه بتوانند نیازهای خود را به اطلاع شرکت‌های دانش‌بنیان برسانند تا تولیدات آنها تقاضامحور باشد.

۲-۶. ابهام در بعضی از بندهای قانون جهش تولید دانش‌بنیان

بی‌تردید قانون جهش تولید دانش‌بنیان کمک بسیاری به پیشرفت شرکت‌های دانش‌بنیان خواهد کرد، اما مسئله‌ای که در برخی از مواد و تبصره‌های قوانین مربوط به شرکت‌های دانش‌بنیان از جمله این قانون وجود دارد این است که رشد

برخی از توضیحاتی که در جدول فوق در خصوص نقش رویکرد حکمرانی مشارکتی بیان شد، دارای الزامات قانونی مرتبط نیز است. برای نمونه درباره ویژگی مسئله‌محور بودن این شرکت‌ها، طبق ماده (۱) قانون جهش تولید دانش‌بنیان، کلیه دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۷/۰۷/۰۸ موظفند: سالانه فهرست اقلام راهبردی خود و نیز توانایی‌های فناورانه داخلی و خلأهای موجود کشور و برآورد ارزش و زنجیره‌های تأمین هر کدام را با تعیین اولویت‌ها به شورای راهبری فناوری‌ها و تولیدات دانش‌بنیان موضوع ماده (۲) قانون حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان و تجاری‌سازی نوآوری‌ها و اختراعات

وجود دارد.

در این مورد نیز بنابر رویکرد حکمرانی مشارکتی، انحصار امری است که گرچه در ابتدا می‌تواند به‌عنوان یک سیاست حمایتی برای شکل‌گیری کسب و کارها در نظر گرفته شود، اما در بلندمدت رقابت را به‌عنوان یک اصل مهم در اقتصاد، دچار خدشه می‌کند.

۳-۶. عدم توجه به نهاد آموزش و پرورش

یکی از ضعف‌های تقنینی در خصوص شرکت‌های دانش‌بنیان، ضعف در توجه به نقش نهاد آموزش و پرورش است. به‌طور کلی حجم قابل‌توجهی از مطالبی که به دانش‌آموزان آموزش داده می‌شود، دو ویژگی مسئله‌محوری و مهارت‌آفرینی را ندارند و در نظام موضوعات درسی به نیازهای اساسی دانش‌آموزان و مسائل اجتماع توجه کافی نمی‌شود و برنامه درسی از کارایی لازم برخوردار نیست [۱۱]. طبیعی است در چنین فضایی، فناوران آینده کشور دارای روحیه‌های لازمی همچون خلاقیت، حل مسئله، مشارکت و... نخواهند بود و در نتیجه شرکت‌های دانش‌بنیان تأسیس شده توسط این افراد نیز توفیق زیادی در برطرف کردن مسائل کشور و بهبود اقتصاد نخواهند داشت.

در جهانی که سیستم‌های تولیدی آن بر پایه فناوری‌های جدید موجب افزایش کمی و کیفی تولید می‌شوند، تنها نیروی انسانی مهارت‌آموزخته است که می‌تواند با به روز کردن مهارت‌های خود حرکت به سمت چنین مسیری را تسهیل کند. در این مقوله، آموزش‌های مهارتی صرف‌نظر از حوزه شمول آنها باعث ایجاد فرصت‌های مناسب برای افراد در دستیابی به محصولات ارزش‌آفرین می‌شود. این آموزش‌ها با تربیت افراد متخصص و ماهر از عوامل اصلی در توسعه پایدار و تولید ثروت محسوب می‌شوند. شناسایی مهارت‌های منجر به موفقیت کارآفرینان حائز اهمیت است و با پرورش این مهارت‌ها در شرکت‌های دانش‌بنیان نوپا این مجال به آنان داده می‌شود تا در چرخه عمر کسب و کار خود به پیش روند [۱۲].

در روند بهبود مهارت‌های نیروی انسانی فعال در شرکت‌های کوچک و متوسط به‌خصوص شرکت‌های دانش‌بنیان، نقش مهارت‌آموزی و به‌تبع آن روش‌های مهارت‌آموزی پررنگ است. رابرت کاتز^۱ اغلب مهارت‌های کاری را اکتسابی فرض کرده است. او انواع مهارت‌های مورد نیاز سازمان‌ها را به سه دسته کلی مهارت‌های فنی، ادراکی و انسانی طبقه‌بندی کرده است [۱۲]. مهارت فنی، یعنی دانایی و توانایی در انجام دادن وظایف

تولید دانش‌بنیان باید محور اصلی تمام بندهای این قانون باشد. برای مثال در تبصره «۲» ماده (۱۴) قانون جهش تولید دانش‌بنیان آمده است: «درآمد سازمان توسعه و سرمایه‌گذاری - در پارک‌های علم و فناوری- با رعایت اصول پنجاه و دوم و پنجاه و سوم قانون اساسی منحصراً در راستای تحقق اهداف آن دانشگاه، مؤسسه آموزش عالی و پژوهشی، جهاد دانشگاهی و پارک علم و فناوری صرف خواهد شد».

ممکن است این تبصره موجب سرازیر شدن درآمدها، صرفاً اهداف مدنظر رئیس یا هیئت امنای آن نهاد را محقق کند و ممکن است این اهداف منجر به تقویت تولید دانش‌بنیان نشود. در این قبیل موارد بهتر است تا کلمات به‌طور شفاف و به‌دور از ابهام بیان شود؛ برای مثال در همین تبصره باید تعریف مشخصی از «اهداف» در مسیر تولید دانش‌بنیان در کشور ارائه شود.

با نگاهی منتج از رویکرد حکمرانی مشارکتی، تعریف دقیق واژگان شکل دیگری پیدا می‌کند. به‌بیان‌دیگر اگر سیاستگذار به اهمیت این رویکرد پی برده باشد و بخواهد که از آن در سیاستگذاری‌های خود بهره برد، باید در تعریف واژگان کل اکوسیستم شرکت‌های دانش‌بنیان را به‌طور یکجا در نظر داشته باشد. برای مثال در خصوص تبصره فوق، دیگر صرف تحقق اهداف دانشگاه یا مؤسسه یا... مطرح نیست، بلکه تحقق اهداف اکوسیستم و یا آن دسته از اهدافی که در راستای تقویت اکوسیستم دانش‌بنیان تدوین شده مدنظر خواهد بود. علاوه بر مورد فوق در بند «پ» ماده (۱۰) از قانون جهش تولید دانش‌بنیان آمده است: «پس از ورود سرمایه‌گذار خصوصی به یک مصداق خاص و اعلام کتبی به شورای راهبری فناوری‌ها و تولیدات دانش‌بنیان با رعایت اصل یکصد و هفتم قانون اساسی، اقدامات وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی در تأمین زنجیره ارزش و تولید اقلام موضوع بند «الف» ماده (۱) این قانون، نباید موجبات رقابت با شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان و واحدهای فناور مستقر در مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری را فراهم آورد. تشخیص مصداق رقابت با شورای راهبری فناوری‌ها و تولیدات دانش‌بنیان است. چنانچه اصل وجود رقابت محرز گردید باید مرکز مذکور بلافاصله نسبت به توقف فعالیت اقدام نماید. مدت توقف، حسب مورد توسط شورای فوق‌الذکر تعیین می‌گردد». در این بند نیز ابهام اساسی در خصوص تعریف رقابت و انحصار

1. Robert Katz



در چنین شرایطی قوانین حوزه شرکت‌های دانش‌بنیان نیاز به دو سطح از هماهنگی دارد: نخست، هماهنگی میان تصمیمات عوامل مختلف در قوانین اصلی حوزه اقتصاد دانش‌بنیان و دوم، هماهنگی میان سایر قوانین با قوانین اقتصاد دانش‌بنیان در کشور. برای مثال در هماهنگی نوع اول باید میان خط‌مشی‌های جذب دانشجو و تصویب رشته‌های دانشگاهی با خط‌مشی‌های توسعه کمی و کیفی شرکت‌های دانش‌بنیان هماهنگی وجود داشته باشد. در نوع دوم نیز می‌توان به هماهنگی قوانین اخذ تسهیلات مالی وضع شده توسط نهادهایی همچون بانک مرکزی با خط‌مشی‌های ارائه تسهیلات مالی به شرکت‌های دانش‌بنیان اشاره کرد.

این نوع هماهنگی در ادبیات حکمرانی و سیاستگذاری تحت عنوان انسجام خط‌مشی^۱ شناخته می‌شود. به‌طور ساده انسجام خط‌مشی بر این نکته تأکید دارد که سیاستگذار باید دقت داشته باشد تا خط‌مشی‌هایی وضع نکند که در عمل با یکدیگر دارای تناقض باشند و آثار همدیگر را خنثی کنند.

۵-۶. لزوم توجه ویژه به جایگاه علم

با توجه به نقش محوری دانش در شرکت‌های دانش‌بنیان، اگر بُعد دانشی در یک شرکت دانش‌بنیان ضعیف باشد ماهیت وجودی آن شرکت به خطر خواهد افتاد. بر این اساس می‌توان گفت که علم، حیاتی‌ترین عنصر موفقیت شرکت‌های دانش‌بنیان است. به همین دلیل مزیت رقابتی یک شرکت دانش‌بنیان از طریق علم و استفاده اثربخش از آن حاصل می‌شود [۱۴]. از این رو، شرکت دانش‌بنیان را سازمانی می‌نامند که در فراگرد تولید و ارائه محصول یا خدمت از خلاقیت، نوآوری و دانش جدید استفاده کند.

نهادهای و مراکز مختلفی مسئولیت تولید دانش را در کشور برعهده دارند که به‌طور خلاصه در شکل ۶ نشان داده شده‌اند.

خاص؛ مهارت انسانی، یعنی داشتن توانایی و قدرت تشخیص در زمینه ایجاد محیط تفاهم و همکاری؛ مهارت ادراکی، یعنی توانایی درک پیچیدگی‌های کل سازمان و تصور همه عناصر و اجزای تشکیل‌دهنده کار و فعالیت سازمانی به‌صورت یک کل واحد.

همان‌طور که پیشتر بیان شد یکی از اقسام رویکرد حکمرانی مشارکتی، مشارکت میان نهادهای مختلف با یکدیگر است. بر این اساس در حوزه اقتصاد دانش‌بنیان لازم است تا نهادهای متولی این امر مانند معاونت علمی فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان ریاست‌جمهوری، کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی و... در تعامل نزدیک و مشارکت برنامه‌ریزی شده‌ای اقدام به قانونگذاری در زمینه شرکت‌های دانش‌بنیان کنند. در همین راستا لزوم هماهنگی و مشارکت وزارت آموزش و پرورش به‌عنوان نخستین حلقه از حلقه‌های تحقق اقتصاد دانش‌بنیان، که وظیفه تربیت سرمایه انسانی مورد نیاز را برعهده دارد، با نهاد اصلی این حوزه یعنی معاونت علمی و فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان ریاست‌جمهوری، بسیار ضروری است.

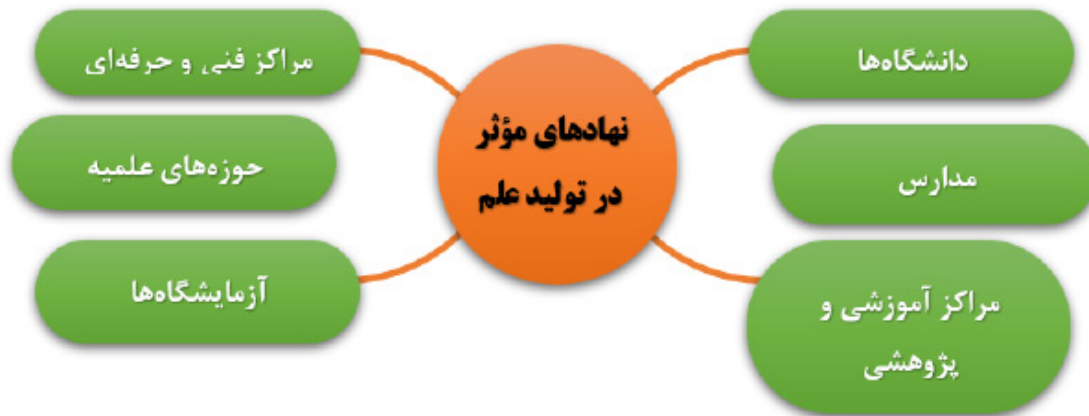
۴-۶. هماهنگی پایین در حوزه قوانین اقتصاد دانش‌بنیان و سایر قوانین مرتبط

در شرکت‌های دانش‌بنیان عوامل مختلفی همچون عوامل مدیریتی، دانشی، فرهنگی، مالی، ساختارهای سازمانی و سازوکارهای ارتباطی بر عملکرد آنها مؤثر هستند [۱۳]. بنابراین باید در برنامه‌ریزی‌ها و سیاستگذاری‌ها همه این عوامل مورد توجه قرار گیرد.

هرکدام از این عوامل خود دارای پایگاه بخشی نیز هستند؛ برای مثال عوامل دانشی در بخش علم و فناوری و متأثر از تصمیمات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و نهادهای بسیار دیگری مورد بحث قرار می‌گیرد. همچنین متولی عوامل اقتصادی نیز نهادهای اصلی بخش اقتصاد در کشور هستند.

1. Policy Coherence

شکل ۶. مهم ترین مراکز علمی تأثیر گذار در تولید دانش



مأخذ: یافته های تحقیق.

و سایر رسانه های عمومی به طور غیر مستقیم با بالا بردن سطح آگاهی و اطلاعات عمومی افراد در سرعت بخشی و جهت دهی به علوم در درازمدت در یک جامعه نقش مهمی ایفا می کنند. همچنین حوزه های علمی نیز با مشارکت در نقد روشی تولید علم می توانند زمینه های تولید علم سودمند و مختص جامعه ایرانی اسلامی ما فراهم آورد.

با توجه به نکته فوق حضور مؤثر و مشارکت فعال نهادهایی که به طور مستقیم و یا غیر مستقیم در زمینه تولید و ترویج علم نقش دارند، بسیار ضروری است.

برای اینکه بتوان تولید دانش بنیان را به نحو بهینه ای به اجرا رساند، باید مراکز تولید دانش از جمله مواردی که در شکل فوق به آنها اشاره شده، با یکدیگر در قالب یک شبکه منسجم و هماهنگ، مشارکت داشته باشند و بتوانند هم افزایی ایجاد کنند. در این زمینه باید توجه داشت که تولید علم، امری اجتماعی است. این موضوع تاحدی اهمیت پیدا کرده که برخی از صاحب نظران به مفهوم مشارکت عمومی در تولید علم اشاره می کنند. بر این اساس لازم است تا تولید علم سودمند برای جامعه با مشارکت همه نهادهای اصلی در این حوزه صورت گیرد. برای مثال صداوسیما

۷. جمع بندی و پیشنهادها

باشد. چنین اقتصادی که از آن با عنوان اقتصاد دانش بنیان یاد می شود، تفاوت هایی با اقتصاد مرسوم دارد. در این نوع از اقتصاد موضوعات مختلف مانند تولید با توجه به سطح فناوری به کار رفته در محصول و یا خدمت ایجاد شده، موجب رقابت میان بازیگران این عرصه خواهد شد. بر این اساس شرکت ها به عنوان بستر اصلی انجام فعالیت نوآورانه و توسعه فناوری، تلاش می کنند تا با تبدیل شدن به شرکت های دانش بنیان، اقدامات خود را بر مبنای دانش روز انجام دهند.

ثانیاً، اقتصاد موضوعی پیچیده است که در آن بازیگران، قوانین و به طور کلی نهادهای مختلفی نقش دارند. به بیان دیگر اقتصاد، دارای پیوند معنادار و دوجانبه ای با سایر حوزه های جامعه

امروزه یکی از مهم ترین مسائل کشور، مسئله اقتصاد است. این مسئله خود دارای مسائل ریزتر متعددی است که موضوع تولید را بنابر تأکیدات مقام معظم رهبری می توان به عنوان اصلی ترین زیرمسئله حوزه اقتصاد دانست. اهمیت بحث تولید تا به آنجاست که در صورت رونق یافتن آن بسیاری از مسائل خرد اقتصادی کشور که البته دارای جنبه های غیراقتصادی نیز هستند، مرتفع خواهند شد.

در این خصوص توجه به دو نکته بسیار حائز اهمیت است: اولاً، مرور ادبیات و بررسی تجارب جهانی گویای این واقعیت است که برای داشتن اقتصادی پایدار که موجب ثروت افزایی و قدرت آفرینی ملی شود، باید ابتدای اقتصاد بر دانش و فناوری

در حوزه اقتصاد و یا مشارکت سایر نهادهای رسمی با نهادهای اصلی متولی امر اقتصاد است، تحت عنوان حکمرانی مشارکتی نام برده می‌شود. براساس دو نکته فوق، می‌توان چنین گفت که حل مسئله اقتصاد در کشور در گرو پرداختن به «اقتصاد دانش‌بنیان مشارکتی» بوده؛ اقتصادی که بنیان آن بر دانش است و فرایندهای آن برمبنای رویکرد حکمرانی مشارکتی پیش می‌رود.

مانند حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، امنیتی، فرهنگی و... است. بر این اساس موفقیت در امر اقتصاد، به‌طور کلی و در سایر زیربخش‌های آن مانند موضوع تولید، بدون توجه به نقش سایر نهادها تقریباً غیرممکن است. با توجه به این مهم لازم است تا هرگونه سیاستگذاری در حوزه اقتصاد با مشارکت نهادهای مربوطه انجام پذیرد و به‌طور شفاف نحوه و میزان مشارکت دوسویه آنها با اقتصاد و زیربخش‌های حوزه اقتصاد مشخص شود. این نحوه مشارکت که دارای دو قسم کلی مشارکت مردم

شکل ۷. رویکرد حکمرانی مشارکتی در اقتصاد دانش‌بنیان



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

به‌عنوان رویکرد غالب در تصحیح و تدقیق این موارد به‌کار گرفته شود:

۱ به‌منظور کاهش احتمال بروز فساد مالی و سایر چالش‌هایی از این دست باید ویژگی‌های یک شرکت دانش‌بنیان به‌صورت شفاف در قانون مشخص شود تا امکان سوءاستفاده از این امتیازات کاهش یابد. در این راستا با مبنا قرار دادن بیانات مقام معظم رهبری درخصوص ویژگی‌های هفت‌گانه یک شرکت دانش‌بنیان، باید تسهیلات و آیین‌نامه‌هایی با هدف استفاده

براساس آنچه که در این گزارش مورد بحث و بررسی قرار گرفت، علی‌رغم تلاش‌های خوبی که برای رسیدن به اقتصاد دانش‌بنیان مشارکتی در کشور مانند وضع قوانین متعدد برای حمایت از کسب‌وکارهای دانش‌بنیان صورت گرفته است، اما عدم توجه به ظرفیت‌های رویکرد حکمرانی مشارکتی سبب توفیق کمتر در حوزه اقتصاد دانش‌بنیان شده است.

گزارش حاضر برمبنای مطالعات انجام شده، پیشنهاد می‌دهد که حداقل در پنج موضوع زیر رویکرد حکمرانی مشارکتی

تولید دانش سودمند در دستور کار قرار گیرد. این برنامه با مفاهیم مورد بحثی در فلسفه علم همچون «مشارکت عمومی در علم»، نیاز به ایفای نقش نهادهای اصلی تولید علم با یکدیگر دارد. بدین منظور این نهادها باید با توجه به هدف تحقق اقتصاد دانش بنیان مشارکتی، برنامه‌ای برای مشارکت با یکدیگر در تولید علم و ترویج آن در جامعه تدوین و اجرا کنند. در پایان باید گفت که در حال حاضر «قانون جهش تولید دانش بنیان» به عنوان قانون کلان و بالادستی در حوزه سیاستگذاری و راهبری شرکت‌های دانش بنیان است. همچنین آیین‌نامه‌های اجرایی مختلفی برای این قانون همچون «آیین‌نامه اجرایی بند «ب» ماده (۱۱) قانون جهش تولید دانش بنیان»، «آیین‌نامه اجرایی بند «ب» ماده (۶) قانون جهش تولید دانش بنیان» و... تدوین شده است. براساس یافته‌های سیاستی و راهبردی که در این گزارش مطرح شد، لازم است اصلاحاتی در این قانون و آیین‌نامه‌های اجرایی آن با تأکید بر موارد زیر صورت پذیرد:

👉 تعیین سازوکارها و ابزارهای تعاملی و هم‌افزایی میان شرکت‌های دانش بنیان، پارک‌های علم و فناوری و نگاه‌های کوچک و متوسط در آیین‌نامه‌های اجرایی قانون با تمرکز بر زیست‌بوم مشارکتی حوزه علم، فناوری و نوآوری کشور،
👉 از آسیب‌های اساسی مورد تأکید در زیست‌بوم دانش بنیانی کشور، ساختارهای نهادی غیرمتوازن، پراکنده و ناهماهنگ است که ریشه آن به تقسیم کارها در «قانون جهش تولید دانش بنیان» و سایر قوانین مرتبط برمی‌گردد. برای حل این معضل لازم است تا با رویکرد حکمرانی همکارانه، ابتدا شبکه ذی‌نفعان و کنشگران مؤثر شناسایی شود و مبتنی بر رویکرد حکمرانی همکارانه، تقسیم کار یکپارچه و متوازن بین این نهادها صورت بگیرد و «قانون جهش تولید دانش بنیان» با این رویکرد اصلاح شود.

شرکت‌های دانش بنیان از ظرفیت سایر نهادهای مربوطه به منظور تحقق ویژگی اختصاصی‌شان، تنظیم شود.

۲) بررسی قوانین و آیین‌نامه‌های حوزه شرکت‌های دانش بنیان گویای این واقعیت است که در برخی موارد امکان تفسیر انحصارگرایی برای این شرکت‌ها در فضای بازار وجود دارد. گرچه انحصار می‌تواند به عنوان یک سیاست زمان‌دار و حمایتی مورد توجه قرار گیرد، اما در بلندمدت آسیب‌های جدی به اقتصاد کشور وارد خواهد کرد. بر این اساس باید زمینه مشارکت شرکت‌ها با حفظ استقلال نهادهای خصوصی از یکدیگر ایجاد شود.

۳) یکی از دو قسم مهم در رویکرد حکمرانی مشارکتی، مشارکت نهادهای رسمی با یکدیگر در تحقق اهداف مدنظر است. با توجه به این نکته، ضروری است تا در قوانین و آیین‌نامه‌های حوزه اقتصاد دانش بنیان به جایگاه بخش آموزش و پرورش به عنوان پایه تربیت سرمایه انسانی مورد نیاز شرکت‌های دانش بنیان در آینده نه چندان دور، توجه ویژه شود.

۴) یکی از مفاهیم اساسی در حوزه حکمرانی مفهوم انسجام خط‌مشی‌هاست. این مفهوم ماهیتاً می‌تواند دارای ارتباط معناداری با رویکرد حکمرانی مشارکتی باشد. چراکه برای تحقق مشارکت سیاستگذار باید تصمیماتی در بخش‌های مختلف اتخاذ کند که ناقض یکدیگر نباشد. در حوزه اقتصاد دانش بنیان مشارکتی نیز باید میان سیاست‌ها در حوزه‌های علم، فناوری و نوآوری با اقتصاد و نیز سایر حوزه‌ها مانند حوزه سیاسی با این دو بخش انسجام و عدم تناقض وجود داشته باشد.

۵) شاید بتوان چنین ادعا کرد که ریشه اصلی اقتصاد دانش بنیان مشارکتی، دانش است. بر این اساس تولید و ترویج دانش به عنوان نخستین گام در چنین رویکرد نویی به اقتصاد مطرح خواهد شد. در این حالت باید برنامه‌ریزی ویژه‌ای برای



۱. ملک‌آرا، ملیکا. اهمیت شرکت‌های دانش‌بنیان در عصر فراصنعت، پنجمین کنفرانس بین‌المللی ترفندهای مدرن مدیریت، حسابداری، اقتصاد و بانکداری با رویکرد رشد کسب‌وکارها، ۱۳۹۹.
۲. رضایی‌زاده، کریم. حکمرانی و مدل‌های آن با نقش مدیریت دولتی و قانون، عطران، ۱۴۰۰.
3. Schmitter, P. C., Grote, J., and Gbikpi, B. (2002). Participatory Governance. Political and Societal Implications. Leske \ and Budrich, Opladen.
4. Halim, R. (2018). Collaborative Governance Model in the Village Fund Management at Banggai Regency (Model Governans Kerjasama Dalam Pengurusan Dana Kampung Di Kabupaten Banggai). Asian Journal of Environment, History and Heritage, 2(2).
5. Batory, A., and Svensson, S. (2019). The Use and Abuse of Participatory Governance By Populist Governments. Policy and Politics, 47(2), 227–244. <https://doi.org/10.1332/030557319X15487805848586>.
6. Waheduzzaman, W., Van Gramberg, B., and Ferrer, J. (2018). Bureaucratic Readiness in Managing Local Level Participatory Governance: A Developing Country Context. Australian Journal of Public Administration, 77(2, Si), 309–330. <https://doi.org/10.1111/1467-8500.12256>.
7. Rufin, C., and Rivera-Santos, M. (2013). Cross-Sector Governance. Social Partnerships and Responsible Business: a Research Handbook, 125.
8. Manuel, P. C., and Cammisa, A. M. (2019). Checks and Balances?: How a Parliamentary System Could Change American Politics. Routledge.
۹. طبرسا، غلامعلی و علی، رضائیان و امیرهوشنگ، نظرپوری. طراحی و تبیین مدل هوشمندی رقابتی مبتنی بر هوشمندی سازمانی در سازمان‌های دانش‌بنیان، پژوهشنامه مدیریت اجرایی، ۴(۷)، ۱۳۹۱.
۱۰. قاضی نوری، سید سروش و جهانیار، بامداد صوفی و نیلوفر، ردایی. بررسی رفتار و عملکرد شرکت‌های دانش‌بنیان ایرانی با رویکرد گونه‌شناسی، فصلنامه مدیریت توسعه فناوری، ۴(۳)، ۱۳۹۵.
۱۱. احمدی، پروین و مهدی، سبحانی‌نژاد و مهدی، امیری. سازماندهی میان‌رشته‌ای برنامه درسی با تأکید بر اثربخش‌سازی محتوای دروس. پژوهش‌های آموزش و یادگیری (دانشور رفتار)، ۲۲ (دوره ج۶)، ۱۳۹۴.
۱۲. بهادر، فرشاد، فحیمی رضایی، ساناز و آزاده سبزواری. ارائه مدل فرایند مهارت‌آموزی در تجاری‌سازی نوآوری- فناوری (بررسی شرکت‌های دانش‌بنیان تهران)، مهارت‌آموزی ۶، ۱۳۹۷.
۱۳. رضائیان، علی و نوید، نضافتی و روح‌اله، باقری. شکل‌گیری شبکه دانش در شرکت‌های دانش‌بنیان، کاوش‌های مدیریت بازرگانی، ۱۰، ۱۳۹۷.
۱۴. تار، مهدیه و محمود، مرادی و مصطفی، ابراهیم‌پور. بررسی عوامل مؤثر بر رشد و موفقیت شرکت‌های دانش‌بنیان. رشد فناوری، ۱۲(۴۵)، ۱۳۹۴.

گزیده سیاستی

«اقتصاد دانش بنیان مشارکتی» مفهومی است که به مثابه راهبردی اساسی موجب تحول در بخش‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور خواهد شد. این مفهوم بر اساس رویکرد حکمرانی مشارکتی از حوزه علم، فناوری و نوآوری در راستای ثروت آفرینی و قدرت افزایی ملی بهره می‌برد.



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: mrc@majles.ir

وبسایت: rc.majles.ir